

ارزش کار...

«از تنبلی و کسالت بپزهیز که ترا از لذت
دنیا و آخرت بازمی دارد» امام هفتم

قابل تردید نیست که تحولات اقتصادی که در این قرن بوجود آمده و پیشرفت‌هایی که در زمینه های مختلف زندگی نصیب انسان گردیده صحنه زندگی و روش زیست انسان‌ها را به کلی عوض نموده است اگر تا مدتی قبل تبعاعده معدودی در اندیشه بهزیستی و بهره‌برداری کامل از مظاهر و مواهب گوناگون زندگی بودند امروز این فکر آنچنان گسترش یافته که حتی افراد ضعیف و ناقص و کودکان نیز در تکاپوی اشباع تمایلات حاصل از مظاهر زیبایی زندگی نوین میباشند

بدیهیست نیل باین هدف یعنی بهزیستی و بهره‌برداری از لذات مذکور شروع و گوناگونیکه زندگی کنونی در اختیار بشر گذارده است در صورتی امکان پذیر است که افراد نقشی را در اجتماع عهده گرفته و ضمن قبول مسئولیتی از مسئولیت‌های اجتماعی بتواند مقاصد خود را تأمین و بطور مشروع و آبرومندانانه از یک زندگی لذتبخش بهره‌مند گردد

این حقیقت در صحنه اجتماعات بزرگ و در باره کشورها و دولت‌ها نیز کاملاً صادق می‌باشد آن کشور و جمعیتی مترقی و پیش افتاده است که بمسئله کاراهمیت بیشتری داده و در گسترش وسائل آن در میان ملت کوشش بیشتری از خود نشان داده باشد

دنیای غرب اینمطلب را پس از قرن‌ها و تحمل مشکلات فراوان درک نموده و هم اکنون در این راه با سرعت هر چه بیشتر پیش می‌رود و همین امر موجب تفوق غربیان گردیده و این تفوق مادی تفوق معنوی و فکری را نیز بدنبال آورده است در صورتیکه دستورات و تعالیمی که اسلام در باره کار داده و توجهی که در ایجاد حس مسئولیت در مردم مبذول داشته نه تنها در لدیان دیگر سابقه ندارد حتی در مقایسه با قوانین و تعلیمات جدید نیز برتری آن واضح می‌گردد

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (۱) وَلَا تَتَّبِعِ

مِنَ الدُّنْيَا دستهای خویش را بگردن نهند و از دنیا بهره‌ات فراموش مکن **إِن لِّسِ الْإِنْسَانِ الْإِمَارَةَ (۲)** بهره‌انسان در زندگی نیست مگر در حصول کار و کوشش او **قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي آتَىٰ** رسول بر گزیده ما بفرما **زِينَتِهَا** خدا را بر بندگاش که حرام کرده است!؟ اینها نمونه ای چند از قرآن کریم بود

پیغمبر اسلام می‌فرماید **مِنَ لِمَا عَاشَ لَهَا مَعَادِلُهُ**

از رسول اکرم است **إِنْ أَصْنَأْ فَا هُنَّ أُمَّتِي لَا يَسْتَجِابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ** و **رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ رَبِّ ارْزُقْنِي وَلَا يَخْرُجُ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ (۳)** گروهی از امت من دعایشان قبول نمیشود از آن گروه آنکه در خانه

بنشیند و بگوید پروردگارا روزی مرا برسان و زندگیم را بهتر فرمای و از خانه بیرون نرود و در پی کار کوشش نگیرد

عن ابی عبد الله قال: قال رسول الله (ص) ملعون ملعون من التقی

كله علی الناس ملعون ملعون من ضیع من بقول (۱)

از امام صادق علیه السلام است که رسول اکرم فرمود دور از رحمت خدا است آنکه سر بار مردم شود و کسیکه برای نان خواران خود زحمت نکشد و رعایت حقوقشان نکند و باز از رسول خدا است من فتح علی نفسه باب مسألة فتح الله علیه باب الفقر (۲) هر که سوالی نمود (یعنی از کار دست کشیده و کناره گرفت؟ خداوند در فقر را بر او باز میکند

مردی بنام ثوبان از رسول اکرم استدعا می نماید که باو راهی نشان دهد که با پیروی از آن طریق حضرت برای او ضمانت بهشت فرماید پیغمبر فرمود اینک سوأل نکنی یا اینک مردی در اثر استیصال و درماندگی به سفارش و اصرار و همسرش بخانه و حضور پیغمبر برای سوأل و عرض حاجت آمده آنحضرت قبل از اظهار آن مرد در کلمه طلب میفرماید و فرمود هر کس از ما سوأل کند باو میدهیم ولی بهتر آنکه استغنا نماید (یعنی سوأل نکند) آن مرد بر میگردد باز روز دوم و سوم در اثر فشار تهیدستی و اصرار بانویش شرفیاب میگردد نیز همان بیان بمیان میآید بالاخره از سوأل منصرف شد و پی کاری رفت و روز گاری نگذشت که یکی از ثروتمندان مدینه گردید و تازگی آنجاست روزی که حضرت رسول از او گذشت و آن مال و ثروت و اندوخته و دستگاهش را مشاهده کرد فرمود بتو گفتم آنکه از ما سوأل کند باو میدهیم و هر کس سوأل نکند خداوند نیازمندیش

را بر طرف میفرماید آنحضرت خواست بفهماند ما آمده ایم که مردم را بکار و فعالیت و ترقی دادن آشنا کنیم و این هدف اصلی است که زندگی بهتر را بانسابها عرضه دارد و زندگی ادراسیه کار و کوشش و هنرمندی و صنعت معرفی کند.

میگویند روزی مردی بحضور رسول اکرام شرفیاب گردید جمعی که شرفیاب بودند از خوبیهای آن مرد سخن گفتند پیغمبر فرمود: حرفه و صنعت و کار او چیست بعرض رسانیدند حرفه و شغلی ندارد حضرت فرمود از چشم من افتاد!

پیشوایان دین با این بیانات مردم را از کاعلی و تمبلی و سستی و بیکاری و خهوشی و سرباری و کناره گیری از فعالیتهای زندگی بر حذر داشته و خواسته اند پیروان اسلام را فعال و سعادتمند و ارزنده بپروراند و از اینراه اجتماعی که از هر نظر صلاحیت زندگی داشته باشد بوجود آورند

در باره ارزش کار بطوریکه اشاره شد روایات زیادی از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار رسیده است و خود پیشوایان دین نیز عملاً اهمیت کار را تعلیم داده اند بطوریکه رسول اکرم قبل از رسالت بتجارت اشتغال میورزید و زمان رسالت هم با کمال سادگی کارهای مربوط بزندگی را انجام میداد و امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) با آن همه گرفتاریهای مختلف و مسؤلیتهای بزرگی که اغلب تقبل می فرمود چه در زمان خلافت و چه قبل از آن هیچگاه از کار و امور زندگی و اداره آن غافل نماند و گذشته از نظر تامین زندگی شخصی، خانواده ها و افراد بی سرپرستی را که کمبود داشته و یا قادر بر تامین نبودند آسوده خاطر میکرد و نخلستانها و قنوات

فراوانی بدست توانای امیرالمؤمنین بوجود آمد و صدقات جاریه‌ای از آنحضرت نصیب بینوایان گردید و روزی که مردم در آن غوغای مدینه و هیاهوی خلافت در جستجوی مردی که باید در واقع هر روز مام خلافت را بدست بگیرد، سراغ میگیرند حضرتش را در نخلستانهای مدینه مشغول آبیاری و زراعت میابند و باندازه بکار و امور زندگی اهمیت میدهد که در زمان خلافت روزی از بازاری میگذرد

نانی، خرمائی، چیزهای دیگر تهیه فرموده خود بمنزل میبرد یکی از کارمندان دستگاه خلافت یکی از ارادتمندان، از اصحاب؟ بالاخره آنکه کاملاً بمقام حضرتش آگاه است با آن حال مشاهده میکند جلو آمده و پس از عرض سلام و ادای احترام تقاضا میکند این افتخار باو محول شود حضرت میفرماید برای رساندن و تأمین امور معیشت خانواده خود من از شما مقدم‌ترم بآن حضرت منسوب است «درهای رزق بسته است آنرا با حرکت و فعالیت بکشائید زیرا کار باعث برکت است» و از امام هفتم است «از تنبلی و کسالت بپرهیز که تو را از لذت دنیا و آخرت باز میدارد» و این تنها اسلام است که قانون کار و حقوق کارگر و قوانین اقتصادی وضع کرد شالوده قانون کار و کاری و اقتصاد را پی ریزی کرد . آنهم در آن روزگاری که چپاول گران و ستم پیشگسان و ظالمان بالاخره ربا خواران در اثر فشار اقتصادی توده‌های ربا بندگی و بردگی کشیده بودند و همواره کار گریایمال وضعیف و ناتوان بود و اصولاً در تمام دنیا کار گری و حرفه‌ارزشی نداشت و ناچیزترین افراد اجتماع این طبقه بشمار میآمدند بنابراین طبعاً در چنین زمان روشنائی و اهمیت کسب و کار و هنر و صنعت و دو بخاموشی و نابودی است .

ولی اسلام در آن زمان و با آن شرائط سنگین و مخالفت سرسخت کارفرمایان ظالم و خواجگان و بنده فروشان غافل و رباخواران متممگر اعتنائی نکرده و با اعلان کار کرده‌ست خداست و نه جزء عبادات در طلب رزق حلال است و با آیه ان المبدئین كانوا اخوان الشیاطین (۱) امروزه در دانشجوئی، دانشمندی، کاسبی، کاریگری، هنرمندی، دهقانی جوانی، مسلمانی و بالاخره انسانی دردنیای پر جوش و خروش زمان غیر از دو مکتب سرمایه‌داری و کمونیستی که هیچکدام تعدیل اجتماع را نمیتواند بوجود آورد راه سومی را خواست جستجو کند باید بمکتب معتدل بمکتب آموزنده بمکتب پیشرو بمکتب، خلاصه بمکتب اسلام رو آورد بنابراین سزاوار است دانشمندان و فقهای بزرگ اسلام امروز توجه و عنایتی بیشتر نسبت بآیات و روایات و ابواب فقه اسلام که متضمن اقتصادیات است بنمایند و شاگردان و دانشجویانی در این رشته تربیت نمایند و کتبی در این باره مورد نگارش در آید تا رفع اشتباه گروهی گردیده و پاسخگوی معاندین و بی‌خبران و یاده‌سرایان و آنها که سمپاشیها دارند گردد و بدانند نه چنان است که اسلام مخالف با کار است اسلام در اقتصاد دستی ندارد اسلام درباره حقوق کارگر عنایتی نفرموده و اهمیتی برای کارگر قائل نشده است و بالاخره با مروزها کاملاً روشن شود اسلام نه تنها بجنبه معنوی توجه دارد بلکه بطوریکه در سطور فوق اشاره شد میگوید کسیکه تأمین زندگی و معیشت نتواند کند قدرت تأمین سعادت اخروی را هم قدرت نخواهد داشت

آنهاست که با ارزش وجودی خود اهمیت قائلند آنها که بکار و

و فعالیت احترام میگذارند آنها که از متقی باقی گریزانند آنها که به ترقی و اصول زندگی آبرومند علاقه مندند آنها که به هنر و صنعت و کار آزاد، استقلال زندگی و آزادی را در آن میدانند و آنها که در کاوش و تحقیقات برای بدست آوردن زندگی بهتر در پرتو دین میباشند اسلام را یکدین زنده و جاویدوان دانسته و در برابر این آئین مقدس و ترقی احتراماتی که سزاوار آن است قائل بوده و ار هر گونه جانبداری خود داری نخواهند کرد بقول گوته آلمانی موقعی که تعریف اسلام را شنید گفت اگر اسلام این است پس ما همه مسلمانیم لذا باید نوشت امروز رنجبران، زحمت کشان، کارگران هنرمندان، دهقانان، حتی دانشجویان و دانشمندان و آنها که در راه رفاه و آسایش خود و انسانها تحمل رنج می نمایند عملاً از تعلیمات اسلام پیروی می کنند لذا شعاع اسلام و مسلمین را میتوان در این سه کلمه خلاصه نمود

دین ، دانش ، کار

سلامتی

سلامتی اولین اساس و پایه اراده قوی است پس نگهداری سلامتی و حفظ آن اولین تکلیف و مهمترین شغل ما است حفظ سلامتی در زندگی بشری نه تنها اساس تصمیم و اراده است بلکه بطور کلی زیبایی قوت اراده از نتایج آن محسوب میگردد و دکتر کرلینک، خواننده محترم میدانند اسلام سلامتی را اساس زندگی و بر هر چه مقدم داشته است

معارف جعفری